

توضیح منشور

کنفرانس ۷ و ۸ مارس ۲۰۱۵

منشوری که ما از آن دفاع می‌کنیم دارای ۴ پای ثابت یا اصول اساسی است. وجود هر چهار تای آن‌ها برای حفظ و بقای چپی که ما دموکرات و سوسیالیست می‌نامیم، لازم و ضروری است. با فقدان هر یک از این پایه‌ها تمام ساختمان فرو می‌ریزد. این چهار اصل اساسی عبارتند از:

۱- براندازی نظام جمهوری اسلامی. ما چپی هستیم که برای براندازی جمهوری اسلامی در تمامیت اش مبارزه می‌کنیم. جمهوری اسلامی یک رژیم سرمایه‌داری دین‌سالارانه است. نظامی است استوار بر دولتی مستبد، متمرکز و متکی بر نیروهای انتظامی. رژیمی است که به نقض آشکار حقوق بشر، تبعیض‌های جنسیتی، ملیتی، دینی و عقیدتی و سرکوب آزادی‌ها می‌پردازد. ولایت فقیه یکی از خصوصیات تئوکراسی ایرانی است و نه تنها یا عمده‌ترین خصوصیات آن.

چنین نظامی مانع اصلی تغییرات ساختاری در جامعه‌ی امروز ایران است. تحول آن به سوی دموکراسی از طریق اصلاحات، انتخابات و غیره در چهارچوب قانون اساسی اسلامی ناممکن است. تجربه و شواهد گوناگون طی سی و شش سال گذشته نشان می‌دهند که این رژیم فاقد توانایی و ظرفیت انجام اصلاحات بنیادین و تحول از درون به سوی تغییر خود است. در نتیجه انحلال و نه اصلاح ناممکن آن می‌بایست هدف اصلی جنبش‌های تغییردهنده اجتماعی قرار گیرد. هم چنین هدف ما به منزله یک جریان چپ سوسیالیستی در همراهی با این جنبش‌ها.

در بستر جنبش‌های اجتماعی دگرگون‌کننده در داخل کشور است که بدیل (آلترناتیو) سیاسی-اجتماعی نظم موجود شکل می‌گیرد و نه در خارج از این جنبش‌ها و به طریق اولی در تبعید یا برون از کشور. پایگاه اجتماعی چپ سوسیالیست را کارگران، زحمتکشان و مردمان تحت ستم و سلطه سرمایه‌داری و استبداد تشکیل می‌دهند و نه طبقات متوسط به طور کلی، طبقات مدرن به طور کلی، کارفرمایان صنعتی و... متحدین و پارتنرها این چپ، اصلاح طلبان حکومتی یا غیرحکومتی خواهان حفظ جمهوری اسلامی نیستند. گروه‌های غیرجمهوری خواه و سلطنت طلب خواهان بازگشت رژیم موروثی نیستند. نیروهای ملی-مذهبی خواهان استمرار گونه‌ای تلفیق دین و دولت و بنابراین شکلی دیگر از جمهوری اسلامی در ایران نیستند. متحدین چپ سوسیالیست را آن بخش‌هایی از اپوزیسیون جمهوری خواهی تشکیل می‌دهند که از جدایی کامل دولت و دین دفاع می‌کنند و خواهان برچیدن نظام جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری و دموکراسی در ایران هستند.

براندازی رژیم می‌تواند با توسل به اشکال مبارزاتی مختلف صورت پذیرد؛ مبارزات مسالمت‌آمیز، جنبش همگانی، انقلاب یا قیام مردمی و... ما از همه‌ی این اشکال پشتیبانی می‌کنیم. ما به منزله چپ سوسیالیست، طرفدار انقلاب و تحولات انقلابی در جامعه هستیم.

انتخابات آزاد، به منزله یکی از ارکان دموکراسی و نه مهم‌ترین یا عمده‌ترین آن، در رژیم جمهوری اسلامی با قانون اساسی اسلامی حاکم بر آن امکان‌پذیر نیست. چپ سوسیالیستی برای شکل‌گیری یک جنبش همگانی برای تغییر نظام و تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی جدید مبتنی بر جمهوری، دموکراسی و جدایی دولت و دین مبارزه می‌کند.

۲- دموکراسی مشارکتی. ما طرفدار دموکراسی مشارکتی یعنی مداخله مستقیم کارگران، زحمتکشان و مردمان در اداره ی امور خود هستیم. از این رو ما یک چپ طرفدار دموکراسی حقیقی هستیم. یعنی برای دموکراسی گسترده و مستقیم؛ برای مشارکت آزادانه، داوطلبانه و برابری مردمان و زحمتکشان در امور خود؛ برای اعمال شیوه و روش خودگردانی و خودمدیریتی؛ برای دخالت‌گری و کنترل از پائین در همه‌ی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط زیستی، فرهنگی توسط مردم، مبارزه می کنیم. روند مبارزه برای دموکراسی مشارکتی جدا از مبارزه برای برابری و سوسیالیسم نیست. جدا از مبارزه برای امحای سرمایه داری نیست. دموکراسی مشارکتی فراسوی دموکراسی لیبرالی و نمایندگی نظام سرمایه داری می رود. دموکراسی لیبرالی یا نمایندگی قدرت را در دست یک قشر یا کاست سیاسی حرفه ای حفظ و منجمد می کند. در دموکراسی مشارکتی ما با کنترل و دخالت‌گری مردمی از طریق انجمن ها و جنبش های اجتماعی رو به رو هستیم. در دموکراسی لیبرالی با کنترل پنهان نمایندگان مردم و دولت توسط قدرت ها و الیگارش‌های مالی.

«دموکراسی» پس در حکومت، دولت، پارلمان، نهادهای رسمی قانونی، انتخابات و از این دست خلاصه و محدود نمی شود، بلکه چون «قدرت مردم» به نقش و فعالیت مردمان در امور خود، در امور سیاسی و اجتماعی شهر و فراتر از آن اداره ی جامعه و کشور ارجاع می دهد. رهایی مردمان تحت ستم و سلطه های گوناگون و به ویژه زحمتکشان تنها می تواند امر خود آن ها باشد و به دست خود آن ها انجام پذیرد. دموکراسی در معنای کسب امور خود توسط خود و برای خود به گونه ای مستقیم و بلاواسطه فرایند بی پایانی است که همواره مرزهای ساختگی و قانونی دموکراسی را به سوی دموکراسی هر چه مردمی تر، مشارکتی تر، کامل تر، گسترده تر و ژرف تر در هم می نوردد. این آن چیزی است که دموکراتیزه کردن دموکراسی می نامیم.

۲- مبارزه ضد سرمایه داری برای سوسیالیسم. سلطه سرمایه داری امروزه جهانی شده است. از یکسو، امر تولید، در سطح ملی و جهانی، در عصر ما، بیش از هر زمان دیگر، بطور اساسی حاصل تعاون جمعی و اجتماعی است. اما از سوی دیگر و بیش از پیش، تملک خصوصی تولید توسط صاحبان سرمایه، تولید را از امری توسط انسان برای انسان به وسیله ای برای سوداگری هر چه بیشتر سرمایه علیه انسان تبدیل کرده است. در نتیجه ی سیادت سرمایه، امروزه مواجه هستیم با شیئی و کالائی شدن هر چه گسترده زندگی، از خود بیگانگی (آلیناسیون) هر چه کامل انسان، استثمار شدید نیروی کار و سرانجام سلطه ی اسارت بار و نابود کننده سرمایه و سود پرستی- جویی آن، چون قدرتی برین و استعلایی بر فراز تولید کنندگان واقعی که از دخالت در سرنوشت خود هر چه بیشتر جدا و محروم می شوند.

بدین سان، امروزه نمی توان مبارزه ی انسان ها برای عدالت اجتماعی و بهزیستی را از مبارزه ضد سرمایه داری ملی- جهانی تفکیک کرد. نمی توان اولی را جدا از دومی به پیش راند و متحقق ساخت. به همین سان نیز، دو مبارزه، یکی برای دموکراسی و گسترش آن و دیگری ضد کاپیتالیستی برای رهایی Emancipation، به هم پیوسته و وابسته شده اند.

امروزه در جمهوری اسلامی ایران، سرمایه داری حاکم است با این ویژگی که مناسبات سرمایه داری با دین سالاری، استبداد و خودکامگی در آمیخته اند. در نتیجه در کشور ما، دو مبارزه ضد استبداد برای آزادی و دموکراسی و ضد سرمایه داری برای عدالت اجتماعی و برابری از هم اکنون در هم می آمیزند، با این که امر دست یابی به آزادی های اولیه اجتماعی و سیاسی از تقدم و ابرام خاصی در شرایط فعلی برخوردار می باشند.

در همین راستاست که تبیین آن چه که مارکس « دوره ی تغییر انقلابی جامعه سرمایه داری به جامعه ی کمونیستی» می نامد و ما، با همه ی نارسایی واژه، «سوسیالیسم» چون فرایند می نامیم، طرح می شود. در مرکز تبیین سوسیالیسم سه چیز قرار دارند: یکم، الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و اجتماعی کردن آن، دوم، برابری و سوم، امحای دولت چون قدرتی سلطه گر بر جامعه. این پرسش که اشکال اجتماعی و جمعی «مالکیت» که نه خصوصی اند و نه دولتی، کدامند و چگونه ایجاد می شوند؟ این که سوسیالیسم چگونه می تواند در سطح یک کشور و امروزه باید به یقین گفت در سطح جهانی- زیرا که ساختمان سوسیالیسم در یک کشور نا ممکن می شود - تحقق می پذیرد؟ تنها و تنها در جریان مبارزات و جنبش های اجتماعی ضد کاپیتالیستی پاسخ های خود را دریافت خواهند کرد. اما از هم اکنون تنها می توان به یقین گفت که آن چه که تجربه باطل «سوسیالیسم واقعاً موجود» و تجربه ناکام «سوسیال دموکراسی» در جهان در سده گذشته به

ما آموخته اند این است که اشکال دولتی و اقتدارگرایانه اعمال شده توسط این سیستم ها برای اداره ی امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نه تنها راه به گسست از سرمایه داری نمی برند بلکه حتا می توانند، هم چون نمونه ی سیستم شوروی، سلطه و ستم بر مردمان و به ویژه زحمتکشان را به مراتب شدیدتر سازند و یا هم چون نمونه ی سوسیال دموکراسی، شرایط برای مدیریت "اجتماعی" سرمایه داری و در نتیجه بقا و استمرار آن را فراهم نمایند.

۴- مبارزه اپوزیسیونی. ما در این شرایط تاریخی (سلطه ملی - جهانی سرمایه داری و حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران) خود را چپی رادیکال و ضد سیستمی می شناسیم. چپی که می بایست نیرویی جنبشی و اپوزیسیونی باشد. یعنی در مخالفت با نظم موجود و برای انحلال آن، اعتراض، مبارز، مخالف، فکر و عمل کند.

تعریف کلاسیک از «سیاست» (و هم چنین «دموکراسی») این است که امر دستگاه دولتی و تصرف آن جوهر سیاست را تشکیل می دهد. از این دید، «سیاست» یعنی مبارزه برای قدرت و حفظ آن. از این دید نیز همه ی ترفند ها و شیوه های مصلحت طلبانه (اپورتونیستی) و سیاست بازانه برای رسیدن به قدرت و حفظ آن مجاز شمرده می شود. چپ سنتی همواره در این راستا عمل کرده است. همواره نیز نشان داده است که هنگامی که در قدرت قرار می گیرد، در برابر الزامات حکومتی و «منطق دولت داری» ناگزیر به حفظ سیستم و استمرار سلطه می شود.

یکی از چالش های امروزی در برابر ما که در پی ایجاد چپی دیکریم است که در این تعریف عامیانه از سیاست تجدید نظر کنیم. تعریف و تبیین دیگری از «سیاست» ارایه دهیم و آن را در عمل سیاسی روزمره به کار بریم. این که «سیاست» (و هم چنین «دموکراسی») ، مدیریت امر دولت و قدرت نیست، دولت گرایی و دولت مداری نیست، بلکه مبارزه جنبشی و اپوزیسیونی است. مخالفت با سیستم حاکم است. مبارزات طبقاتی است. تضاد و تعارض اجتماعی است. هم زیستی در هم ستیزی است. مداخله و مشارکت مستقیم و بی واسطه ی مردمان در بسیارگونگی شان. در اختلاف ها و اشتراک های شان در اداره ی امور خود است. چپ سوسیالیستی می بایست با فاصله گرفتن از قدرت و حکومت بر این ارزش ها تاکید ورزد.